

گلبرگ یاس

سال تولید ملی

شماره ۲۰ بهمن ماه ۱۳۹۱ □ ۴ صفحه

کانون فرهنگی هنری امام حسین (ع) نکوآباد

وسرمایه‌ی ایرانی



حمایت از کار

از وصایای امام علی (ع) به فرزندش امام حسن (ع)

پسرم:

دور و بر خوبان بگرد تا از آنان شوی. از اهل شرفاصله بگیر، تا از آنان جدا باشی. دوست خوب مثل فایل است. دوست واقعی، در غیاب دوست هم به دوستی -

اش وفادار است.

ترجمه نامه ۳۱ صحیح البلاغه

نیایش

خدایا! از من دگذر آنچه را از من بدان دانتری، و اگر بار دیگر به آن باز کردم تو نیز به بخشایش باز کرد. خدایا! آنچه از اعمال نیکو که تصمیم گرفتم و انجام ندادم بخشایش. خدایا! بخشایش آنچه را که بازبان به تو نزدیک شدم، ولی با قلب آن را ترک کردم. خدایا! بخشایش نگاه‌های اشارت آمیز و سخنان بی‌فایده و خواسته‌های بی‌مورد دل و لغزش‌های زبان را

ترجمه خطبه ۷۸ صحیح البلاغه



گرامی باد
فخر انقلاب اسلامی
دهشهری

نظرات و پیشنهادهای خود را برای ما ارسال کنید.

پیامک گلبرگ یاس: ۳۰۰۰۷۶۵۰۰۰۵۳۰۱ پست الکترونیک گلبرگ یاس: golbargyas@chmail.ir

وبلاگ گلبرگ یاس: www.golbargyas90.blogfa.com

بوی بهار

گلبرگ خانواده



این روزها بوی خوش به همراه عطر آزادی از راه می‌رسد و تقویم تاریخ بار دیگر برگ زرینی به خود می‌افزاید و ما را درآستانه سی و چهارمین سالگرد پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی قرار می‌دهد. آری اینک ملت مسلمان ایران، سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی خود را در حالی جشن می‌گیرند که فرهنگ و اندیشه اسلامی به برکت انقلاب، در مسیر اوج و بالندگی خود، همچون سیر اخلاقی و معنوی استواری در برابر یورش فرهنگ و تمدن ضد ارزشی غرب خودنمایی می‌کند و بر تجدید هویت دینی و تمسک به ارزش‌های دینی و انسانی پای می‌فشرد.

این بهاران گوارای وجودتان



فرهنگ به من چه !!! همه جور اسم و فرهنگی شنیده بودیم جز این فرهنگ، این دیگر چه نوع فرهنگی است. بله، تعجب نکنید، درست خوانده اید:

«فرهنگ به من چه!!!»



اگر چه که شنیده نشده است ولی بسیار به کار گرفته می‌شود و چون بسیار کاربرد دارد، به کنایه نام فرهنگ بر آن نهاده شده است و گرنه **اوج بی فرهنگی است!**

این فرهنگ برای اشخاصی به کار می‌رود که یا مسئولیت پذیر نیستند، یا ترس از تأیید نشدن توسط دیگران دارند، و یا اصلاً جامعه و اتفاقات درون آن برای‌شان هیچ اهمیتی ندارد. که هر سه گروه در اشتباهند.

فرهنگی که از آثار آن روزمرگی و بی‌اثر شدن فرهنگ‌های خوب دیگر است. فرهنگی که دیواری به اندازه‌ی بزرگی کار اشتباه‌شان، بین تک تک این افراد حائل می‌کند. اصولاً انسان موجودی است اجتماعی و اگر کسی خلاف این فکر کند با قانون قطعی طبیعت به مخالفت برخاسته است.

شاید تا به حال بارها و بارها شده که حق کسی را در جلوی چشمان ما می‌خورند، کسی هم خبردار نمی‌شود. ما بر سر دو راهی می‌مانیم. بگوییم که حق خوری شده و دفاع کنم، یا که «به من چه!»، به من چه ربطی دارد، اصلاً من چکاره ام؟! شاید برای همه بارها اتفاق افتاده است، که شاهد چنین صحنه‌هایی باشیم. صحنه‌هایی چون:

بی‌راهه رفتن شخصی که عاقبت آن راه خیر نیست، کار خلافی که مظلوم را گرفتار می‌کند، ضرر مالی به مال شخصی و اموال عمومی، گران فروشی یا کم فروشی، سیگار کشیدن در جمع، تهمت زدن ناروا و ...

دوباره به فرهنگ «به من چه !!!» روی می‌آوریم، بدون اینکه حتی به طور لفظی هم تذکر بدهیم. گاهی حتی ایستادن بر سر حق و حقوق خودمان هم نیاز به ذره‌ای اعتماد به نفس و نترسیدن از تأیید نشدن توسط جمع دارد، ولی حاضریم سکوت کنیم، از حق خودمان دفاع نکنیم، و بگذاریم این عادت غلط برای سودجویان رسم و عادت شود.

روزانه چندین اتفاق در اطراف ما می‌افتد، ما از کنار آن بی‌تفاوت می‌گذریم. آخر کسی نیست به ما بگوید اگر به شما ربطی ندارد، پس به چه کسی مربوط می‌شود. مگر شما نیستید که در این محل زندگی می‌کنید. چرا از گمراه شدن شخصی، خراب شدن مالی، پایمال شدن حقی، ظلم به مظلومی، اتفاق بدی یا حتی اتفاق خوبی بی‌تفاوت می‌گذریم.

یکی از دلایل کاهش سرعت پیشرفت در زمینه‌های گوناگون علمی، فرهنگی، اجتماعی، حتی پروژه‌های عمرانی و کمبود امکانات رفاهی چه در زندگی شخصی و چه در محل، ناشی از همین بی‌تفاوت بودن هاست. به خاطر همین است که اسلام واجبات دیگر را در برابر «امر به معروف و نهی از منکر» مثل قطره در برابر دریا می‌داند. مردم عزیز نکوآباد! بدانید: تا زمانی که این بی‌فرهنگی به ظاهر فرهنگ در بین ما جا خوش کرده است نباید انتظار ارتقای سطح فرهنگی محل و پیشرفت اجتماعی داشته باشیم.

عزیزان! تا بر این باور غلط باشیم و هر کسی سرش به کار خودش باشد، کاری از پیش نمی‌بریم. آخر تا کی سر در زیر برف کرده و از زیر بار مسئولیت اجتماعی خودمان شانه خالی کنیم. اندکی تامل کنید! ببینید، که اگر کار خوب و مهمی انجام شود، یا امکاناتی به محل بیاید، اولین سودش را اهالی محل می‌برند. یا بر عکس اگر کار نا مناسب، بلای خانمان سوز و ... در محل اتفاق بیفتد، امکاناتی در محل نباشد، یا برود. دودش به چشم خودمان می‌رود. اگر به فکر خودمان نیستیم، به فکر فرزندانمان، این پاره‌های تن مان باشیم. اینها آینده‌ی محل ما هستند، بعدها قضاوت گر کارهای ما هستند.

جای این شعر سهراب را هم در اینجا خالی می‌بینم که گفت:

من اگر بنشینم، تو اگر بنشین، چه کسی برخیزد ***** من اگر برخیزم، تو اگر برخیزی، همه بر می‌خیزند

(نویسنده: قاصدک محلی)

بس توجهی به تعالیم دینی

دین فلسفه حیات است و زندگی بدون دین، زندگی نیست. تنها عاملی که می‌تواند انسان را از لغزشگاه‌های خطیر، حفظ کند، ایمان و اعتقاد دینی است. "تربیت" بدون پشتوانه ایمان قوی و اعتقاد دینی، ضمانت اجرایی ندارد و بزرگترین حق فرزند بر پدر و مادر، تعلیم و تربیت دینی است. بی‌توجهی به این مسئله مهم و یا تأخیر در آموزش برنامه‌های دینی به فرزند، لطمه‌های جبران ناپذیری را به سعادت او وارد می‌سازد. عقیده باطنی در زمینه زمان و چگونگی آموزش تعالیم دینی در میان بعضی از افراد رایج است مبنی بر اینکه:

"به کودک و نوجوان، هیچ گونه عقیده و مذهبی را نباید تعلیم داد و آموزش هر نوع مذهب و عقیده دینی به کودک، خلاف حقوق بشر و آزادی است. بلکه باید او را آزاد گذاشت تا بزرگ شده، دین و مسلکی را بر مبنای شناخت خودش انتخاب کند..."

ظاهر این سخن، زیبا و روشنفکرانه است و همین ظاهر زیبا باعث فریب، ظاهرینان می‌شود. اما اگر این نقاب فریب را از چهره‌اش بر داریم حقیقت تلخ برایمان آشکار می‌گردد. هر کس اندک آگاهی از مسائل تعلیم و تربیت داشته باشد می‌داند که: بهترین و مناسب ترین دوران تعلیم و تربیت، دوران کودکی و نوجوانی است و هر تعلیم و تربیتی که در این دوران حساس به انسان داده شود، در جانش رسوخ کرده، جزء وجودش می‌گردد. اما اگر کودک، دوران کودکی و سپس نوجوانی را بگذرانند، دیگر فرصت از دست خواهد رفت و شخصیت او شکل گرفته و هر چه می‌خواست بشود، شده است.

تا انسان به سن بلوغ و رشد برسد، عادات و افکار فراوانی را از محیط اطراف گرفته و سرشتش ساخته شده است. اگر از اکنون بخواهیم مفاهیم تازه‌ای را در ظرف جانش بریزیم، لبریز شده، نمی‌پذیرد و یا به سختی و به مقدار کم خواهد پذیرفت. زیرا دیگر دوران مناسب "تأثیرپذیری" که همان دوران کودکی و نوجوانی است سپری شده است.

امام صادق (علیه السلام) در این باره می‌فرماید:

به تعلیم حدیث (و معارف دینی) فرزندان نونهالتان اقدام کنید، قبل از آنکه مرجئه بر شما سبقت گیرند.

خیانت

ادامه از شماره ۱۹

... اما داستان تو به همین جا ختم نشده، تو از چشم من افتادی، چون تو نهاد سلیقه و نظر من در جامعه بودی، چون من را با تو می‌شناسند و تو را با من، چون ما با هم پیوند یکی شدن و یکی ماندن بسته بودیم اما تو این پیوند را نادیده و ساده گرفتی و به دیگری پیوند خواستن زدی این خیانت تو ضربه‌ای به من زد که تا عمق وجودم را مانند آتش سوزاند.

چون دنیا برای یک زن یعنی همسرش. چون لذت و خوشی و زیبایی جهان برای یک زن فقط به شرط بودن با مرد مورد علاقه‌اش (همسرش) معنا پیدا می‌کند. اما تو به تمام این‌ها پشت کردی و همه چیز را ساده پنداشتی.

اما اعتماد من به تو دیگر قابل بازسازی نیست چون اعتمادی دیگر وجود ندارد که بازسازی بکنی. برای ساختن آن باید از صفر شروع کرد، برای شروع صفر باید با پاک‌کن ذهن مرا از این کارت پاک کنی و قلبم را دوباره با عطری خوشبو با رایحه اعتقاد و احساس خوب پر کنی... نمی‌توانی!!

پس من چطور کار تو را نادیده بگیرم، چطور فکر کنم تو و او بی وجود نداشته است؟

از نظر پزشکی در این گونه مواقع دچار تغییرات خاصی در سیستم اعصاب مرکزی و نیز فعالیت‌های شناختی خود می‌شویم. چون به خودمان و به دنیا شک کرده‌ایم، در واقع همسری که در زندگی زناشویی‌اش به او خیانت شده، دچار ۷ نوع ضایعه می‌شود که همه آن موارد پیرامون از دست دادن شریک زندگی‌اش دور می‌زند، و آن از دست دادن خود است.

احساس فقدان عبارت است از:

- ۱- از دست دادن هویت خود.
- ۲- از دست دادن اراده و انگیزه ادامه زندگی.
- ۳- از دست دادن اعتماد به نفس به خاطر رفتار همسر و قربانی خواسته‌های او شدن.
- ۴- از دست دادن قدرت برقراری و ادامه ارتباط با دیگران.
- ۵- کم‌رنگ شدن ایمان دینی.
- ۶- از دست دادن احساس اینکه کسی مرا دوست دارد.
- ۷- از دست دادن احساس درونی خویش درباره عدالت.

دنیای زنان ش ۶۲ ص ۴۲

ادامه مطالب شماره بعدی گلبرگ یاس



اینجا رستوران است

به رستوران می‌رویم. پشت میز می‌نشینید و از روی فهرست یکی از غذاها را سفارش می‌دهیم، پس از مدتی پیش‌خدمت ظرف

غذایی را مقابل ما می‌گذارد. این غذا چیست؟

جواب ساده است همانی که سفارش دادیم. به زندگی خود دقیق شوید. به لباسی که پوشیده‌اید. مدرک تحصیلی که دارید. شغلی که در آن مشغول به کار هستید. دوستانی که دارید. فیلم‌هایی که می‌بینید و... همه اینها همانی است که سفارش داده بودید. اگر غذا همانی که تقاضا کرده بودید

ادامه در صفحه ۴

مگر وقتی شیطان به آدم سجده نکرد، خدا او را از بهشت بیرون نکرد؟

پس چطور توانسته دوباره وارد بهشت بشود و آدم و حوا را گول بزند تا سیب را بخورند؟

پاسخ:

به یقین شیطان یا همان ابلیس، رجیم و رانده شده است؛ چنان که در قرآن در سوره حجر آیه ۲۴ و سوره ص آیه ۷۸، آمده:

«قال فاخرج فانك رجيم؛ از آن جا بیرون رو که مطرودی»

معلوم می‌شود که شیطان بعد از جریان تکبر و سجده نکردن بر آدم گرفتار لعن ابدی شده و از درگاه خداوند و ملکوت رانده شده است و به یقین تا ابد هم در بهشت راه ندارد. پس: شیطان قبل از بهشت نبود؛ بلکه در درگاه الهی و در جمع مقربان درگاه خداوند بود؛ در حالی که بهشت جایگاه مؤمنان و بندگان مطیع خداوند در آخرت است و اخراج او به معنای اخراج از بهشت نیست. در حقیقت اخراج شیطان به معنی تنزل مقام و مرتبه شیطان بود از جایگاه بلندی که در نزد خداوند یافته بود، نه اخراج از مکان معین و مشخصی که در نتیجه سوال شما امکان طرح بیابد، این همان حقیقتی است که در قرآن در تحت عنوان "هبوط" بیان شده است، اما در هر حال روشن است که شیطان بعد از این اخراج، دیگر نمی‌توانست به بهشت هم راه یابد، حال باید پرسید که چگونه او در جریان فریب آدم و حوا توانست وارد بهشت گردد؟

نتیجه:

پس این بهشت اخروی نبوده و شیطان که مترصد اغوای انسان‌ها است توانسته در آن موقعیت حاضر شده و به نوعی، آدم (علیه السلام) را فریب دهد.

منبع سایت پاسخگو



در شماره قبل سوالی از شما دوستان پرسیده شد که:

در کدام آیه از قرآن به کسانی که ایمان را با کفر معامله کردند

و عده عذاب دردناک داده شده است؟

جواب منظور: آیه ۱۷۷ آل عمران

ترجمه:

قطعاً کسانی که ایمان را با کفر معامله کردند، هرگز به خداوند ضرری نمی‌رسانند و برای آنان عذاب دردناکی است.

نکته‌ها:

در قرآن مسأله‌ی خرید و فروش و سود و زیان سرمایه‌ی عمر، بارها تکرار شده است. قرآن، دنیا را بازار می‌داند و مردم را فروشنده و عقاید و اعمال انسان را در طول عمر، کالای این بازار. در این بازار، فروش اجباری است ولی انتخاب مشتری با انسان است. یعنی ما نمی‌توانیم آنچه را داریم، از قدرت و عمل و عقیده‌ها بگذاریم، ولی می‌توانیم مسیر عقاید و کردار را سود بخش یا زیان‌آور قرار دهیم. در قرآن از عده‌ای ستایش شده که جان خود را با خدا معامله

منبع: تفسیر نور جلد اول

??



پاسخ: گرچه برخی تصور کرده‌اند که

مراد از بهشت آدم و حوا همان بهشت

موعود آخر تی است، ولی مراد از بهشت محل سکونت آنها همان بهشت موعود نیست، زیرا اخراج از آن بهشت معنا ندارد اما سؤال این است که آن بهشت موقت و محل سکونت ایشان کجا بود و چه حقیقتی داشت؟

در این خصوص در بین علما اختلاف نظر وجود دارد که در مجموع این نظرات می‌توان به این نتیجه رسید که، به یقین بهشتی که حضرت آدم و حوا در آن سکونت داشته‌اند، بهشت اخروی نبوده است، زیرا بهشت اخروی هرگز جای ابلیس نمی‌باشد. آنجا محدوده‌ای نیست که شیطان و شیطنت و عصیان در آن راه داشته باشد. خیال باطل و نافرمانی در آن جا نیست. از سوی دیگر: کسی که به جنت خلد وارد شود، دیگر خارج نخواهد شد.

پرسش قرآن

می‌کنند و در عوض بهشت

و رضوان می‌گیرند، و از عده‌ای انتقاد شده که بخاطر انحراف و انتخاب سوء یا سودی نمی‌برند:

«فما ربحت تجارتهم» و یا دچار خسارت می‌شوند:

«ان الانسان لفي خسر» و در بعضی از آیات همچون

آیه‌ی فوق، کسانی که ایمان خود را با کفر معامله

می‌کنند، تحقیر می‌شوند و در مقابل به مؤمنان

دلداری داده می‌شود که ارتداد آنها، به خدا و راه

خدا هیچ ضرری نمی‌زند.

پیام‌ها:

۱- سرمایه اصلی انسان، ایمان و یا زمینه‌های فطری

ایمان است. "اشتروا الكفر بالایمان"

۲- در یک انقلاب عقیدتی و فرهنگی، از ریزش‌های

جزئی نگران مباشید. "اشتروا الكفر... لن يضروا..."

اهمیت غذایی کدو حلوائی



کدو سرشار از ویتامین‌های زیاد است که برای امراض قلبی مفید است.

خوردن ۱۵۰ گرم کدو در روز نیاز بدن به الیاف را تامین می‌کند. کدو اثر ملین دارد و باعث رفع یبوست و سوء هاضمه می‌شود.

کدو تب را پایین می‌آورد و برای اشخاص گرم مزاج و صفراوی غذایی مناسبی است. کدو خون ساز است و علاوه بر آن خواص از پیری پوست جلوگیری کرده و سرشار از آنتی‌اکسیدان است. کدو ادرار آور است، سینه را نرم و سرفه را آسان کرده و برای درمان قولنج مفید است. کدو مغز را فعال کرده و حافظه را تقویت می‌کند، پس پیشنهاد می‌کنم با این همه فایده پخت این غذا را از دست ندهید:

کدو حلوائی: ۹۰۰ گرم // روغن زیتون: ۲ قاشق غذاخوری
پیاز: ۲ عدد متوسط (خردشده) // سیر: یک حبه (خردشده)
زنجبیل تازه: یک قاشق // آب مرغ: ۳ پیمانه // نمک و فلفل: به میزان لازم // ماست: ۴ قاشق سوپ‌خوری // روغن: به مقدار لازم // گشنیز: چند برگ برای تزئین
طرز تهیه:

کدوها را که قبلاً پوست کنده و خرد کرده‌اید، در قابلمه بریزید و با آب بپزید. کمی روغن در تابه بریزید و پیازهای خرد شده را در آن تفت دهید، سپس شعله را کم کنید تا آب انداخته و با حرارت ملایم بپزد. زنجبیل را ریخته و بعد کمی تفت داده، آن را به قابلمه بریزید، سپس آب مرغ را به کدو نیمه پخت شده اضافه کرده و با ادویه (نمک و فلفل) مزه‌دار کنید. شعله را کم کنید. پخت این سوپ معمولاً ۴ تا ۵ ساعت طول می‌کشد. در پایان ماست و گشنیز را اضافه کرده و بعد از ۲۰ دقیقه میل کنید.



ادامه از صفحه ۳.... نباشد چه می‌کنید؟ معلوم است اعتراض می‌کنید، غذا را بر می‌گردانید و حتی اگر کسی به شما توجه نکرد رستوران را ترک می‌کنید و یا هر کار دیگه‌ای، اما مهم این است که غذای رستوران را نمی‌خورید چون سفارش شما نبوده است.

شاید هم شما همان غذای اشتباه را بخورید و هیچ اعتراضی نکنید. تحمل غذای اشتباه خودش به معنای زدن مهر تایید است.

آیا گرفتار فقر و بیکاری هستی؟ زمین و زمان همگی متفق القول خواهد گفت: این همانی است که خودت سفارش داده‌ای. اگر غیر این است چرا کاری نمی‌کنی، هنر یاد بگیر، مهارتی بیاموز، دست به کاری بزن و اگر در شهر خودت کار پیدا نمی‌کنی، به شهر و دیار دیگری سفر کن. اگر در درس و مشق ضعیف هستی، دوست و همدم ناسازگاری نصیبت شده، شغل خوبی نداری، فرزندان آن گونه نیستند که باید باشند، مشکل مالی داری و گرفتار صدها مشکل دیگر هستی، بدان که حق شکوه نداری، این همانی است که خودت سفارش داده بودی. سفارش دادن یعنی آرزو کردن! یعنی خواستن! پس بیاموز و باور کن که در هر شرایط و وضعیت از زندگی که هستیم دلیلش فقط و فقط خودمان هستیم که سفارش چنین وضعیتی را به روزگار داده‌ایم پس هر کس عینا همانی نصیبش می‌شود که خواسته و سفارش داده است. این همان قانون از تو حرکت است.

موفقیت ۷۱ ص ۶۱



انار



بنا به عقیده پزشکان قدیم در آب انار، اکسیر حیات و جود دارد.

خواص:

سرد و خنک و حالت جمع‌کنندگی دارد. خاصیت غذایی آن کم ولی تصفیه و پاک‌کننده خون. خوردن آن از ابتلا به بیماری قند جلوگیری می‌کند. در کبد باعث تصفیه و بسیار نافع است. مضرات دخانیات را خنثی می‌کند.

درمان جوش و زخم‌های داخل دهان:

اگر با آب انار دهان شویی و زمزه کنید جوش و زخم‌های ناراحت‌کننده دهان را بر طرف می‌کند.

مضرات انار:

برای اشخاصی که دچار یبوست هستند مضر است. برای کسانی که دچار نفخ معده هستند مضر است. خوردن انار به عنوان دسر مثل سایر میوه‌ها خوب نیست. زیاد خوردن انار در یک جلسه خوب نیست، غذا را فاسد و باعث بیماری و ناراحتی معده خواهد شد. بهتر است انار ترش و شیرین با هم خورده شود.

پیامک‌های منتخب



دمپختی، غذای موردعلاقه نکوآبادی‌هاست. خاصیت آن برای آنها با خاویار برابری می‌کند و اهل خانه پس از صرف غذا با گفتن " ننه. په. چیکا یخده گوشت توش نهشتی " از مادر تشکر می‌کنند! م.ن
۰۹۱۳۸۳۸****

همه غذاها را می‌پسندم اما ماست را ترجیح میدهم/ آش (البته آش نکوآبادی که همان دمپختی ست.)
۰۹۳۸۵۲۵****

سلام واقعا ممنون که صدای ما رو به گوش دیگران می‌رسونید، انتقادهایی که شماره قبلی کرده بودید کاملاً به جا بود، این حرفا و تذکرات واسه پیشرفت محله‌اس، لطفاً به کسی برنخوره!
۰۹۳۷۱۰۲****

سلام جواب سؤال ۳و۴و۵: برابر شرح زیر است:
۳: هر کدوم باشه می‌خورم آدم گشنه اگه سنگم بدیش می‌خوره.۴:دمپختی لا آتیشی با گوشت ورسینه. ۵: ستایش. با تشکر(م)
۰۹۱۳۶۳۰****

سؤال اول: بی‌فرهنگی رو تو وجود چوپانای محترمی دیدم که گوسفنداوشونو سرمزار می‌برند تا از ریاحین اموات تغذیه کنند، همچنین افرادی که به اموال عمومی (مثل صندلی‌های اتوبوس) صدمه می‌زنند.
سؤال دوم: آیه ۴سوره یونس، ۳سوره توبه.
سؤال سوم: ترشی یا ماست(بیشترماست)
سؤال چهارم: علی

سؤال سوم: جوجه کباب
سؤال چهارم: علی
۰۹۳۷۱۰۲****

سلام واقعاً تلاشتون قابل تقدیره. می‌خواستم بگم مردم تلاشگر نکوآباد چرا اعتراضی به وضعیت بد رفت و آمد واحدها نمی‌کنید؟ مگه نمیگند وقت طلاست پس چرا وقتهامون باید با منتظر موندن دم ایستگاهها بگذره؟
۰۹۱۳۲۳۵****

سلام

هزینه اشتراک گلبگ یاس در هر ماه چقدر می‌باشد؟
۰۹۱۳۷۷۱****

با سلام هزینه دریافتی بابت گلبگ یاس فقط ذکر صلوات است.

اما خیرین عزیز جهت حمایت از کانون فرهنگی امام حسین(ع) نکوآباد و چاپ گلبگ یاس می‌توانند وجوه اهدایی خود را به شماره حساب ۶۷۹۶ قرض الحسنه ولی عصر(عج) نکوآباد واریز نمایند.

گلبگ یاس